

حفظ آبروی مسلمان در آیات و روایات

فرج الله میرعرب*

مقدمه

آبرو به معنای اعتبار، قدر، جاه، شرف، عرض و ناموس است. آبروی کسی را ریختن به معنای وی را مفتضح کردن است. آبروخواه و حافظ آبرو یعنی آن که در حفظ آبرو بکوشد و آن که از زوال اعتبار خویش بهراسد.^۱ حقیقت و اساس آبرو، شخصیت، کرامت و ارزشی است که خداوند به انسان بخشیده است؛ چنان که خداوند می فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛^۲

ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

یکی از واژگان قرآنی که مترجمان به آبرو و آبرومند ترجمه کرده‌اند، «وجیه» است؛ خدای متعال درباره حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا»^۳ او نزد خداوند، آبرومند، صاحب شخصیت و گرانقدر بود).

درباره حضرت عیسی علیه السلام نیز همین تعبیر آمده است: «... اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۴ اسم او عیسی بن مریم است که آبرومند و با شخصیت در دنیا و

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۲۷.

۲. اسراء: ۷۰.

۳. احزاب: ۶۹.

۴. آل عمران: ۴۵.

آخرت است».

آبرو و وجاهت نزد خدا ارزشی جاودان دارد که در اثر نافرمانی و بی حیایی از دست می‌رود. حافظ در این باره می‌گوید:

آبرو می‌رود ای ابر خطاپوش بیار
که به دیوان عمل نامه سیاه آمده‌ایم^۱

ادیبان فارسی زبان اشخاص آبرومند را راستگویان، نیکوسیرتان و ... معرفی کرده‌اند؛ چنان‌که فردوسی سروده است:

اگر راستی تان بود گفت و گوی
به نزدیک من تان بود آبروی^۲

وگر نیک دل باشی و راه جوی
بود نزد هر کس تو را آبروی^۳

همچنین او عامل آبرومندی را جهاننداری، بیداری و فرهنگ‌جویی دانسته و گفته است:

هنرمند جمهور فرهنگ‌جوی
سرافراز با دانش و آبروی^۴

جهاندار و بیدار و فرهنگ‌جوی
بماند همه ساله با آبروی^۵

در مسئله آبرو و یک مرحله ایجاد است و یک مرحله حفظ و مراقبت از آن؛ بحث این گفتار مرحله دوم است. در این مرحله باید اعتبار اجتماعی، قدر و منزلت میان خانواده و مردم، شرافت و هر آنچه ناموس و خط قرمز انسان را نشان می‌دهد، مورد توجه باشد.

اهمیت آبرو

با دقت در آیات قرآن و سخنان پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به روشنی مشخص می‌شود آبرو و احترام انسان، به‌ویژه مسلمان همانند جان و مالش، بلکه بیشتر اهمیت دارد. خداوند به‌صراحت در آیاتی بر حرمت هتک عرض و آبروریزی مردم تأکید می‌کند و این عمل را جزء گناه کبیره‌ای می‌داند که مجازات آن دوزخ و عذاب است. در سوره «همزه» آمده است: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»^۶ وای بر هر عیبجوی مسخره‌کننده‌ای». همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَا تُطِعْ

۱. حافظ، غزلیات، غزل ۳۶۶.

۲. فردوسی، شاهنامه، منوچهر، بخش ۷.

۳. فردوسی، شاهنامه، بخش ۱۱، سخن‌پرسیدن موبد از کسری.

۴. فردوسی، شاهنامه، بخش ۷، داستان طلخند و گو.

۵. فردوسی، شاهنامه، بخش ۱۲، وفات یافتن قیصر روم و رزم کسری.

۶. همزه: ۱.

الْمُكَذِّبِينَ* هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ* سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ؛^۱ از دروغ‌پردازان اطاعت نکن
* ... کسی که بسیار عیب‌جوست و به سخن‌چینی میان مردم رفت‌وآمد می‌کند. ... ما به‌زودی بر
بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهمیم».

عیب‌جویی و سخن‌چینی از آنجاکه به آبروی مسلمان لطمه می‌زند، حرام است. بر اساس
همین تعالیم و حیانی، پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ
حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ؛^۲ ای مردم، ریختن خون یکدیگر و لطمه‌زدن به حیثیت خودتان، تا روز
مردن و لقای پروردگارتان بر شما حرام و حفظش واجب است».

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عِرْضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ؛^۳ مؤمن سراسر
وجودش محترم است: آبرویش، مالش و خونس».

به دلیل اهمیت آبرو و حفظ حریم مسلمان خاتم رسولان الهی (صلوات الله علیه) تأکید
کرده‌اند: «لَا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ سِتْرًا؛^۴ هرگز بر هیچ‌کس پرده‌ای را پاره نکن».

برتری جایگاه آبرو در برابر مال و جان

حفظ و مراقبت از آبرو به معنای حفظ همه آن چیزی است که انسانیت انسان در گرو آن است؛
زیرا جان زمانی ارزش دارد که جامعه شخص را انسان بداند و احترام انسانی برقرار باشد. شرافت
و کرامت انسانی برای خود انسان ارزشمندتر از هر چیزی است؛ از این‌رو انسان جان و مال
خویش را برای حفظ عرض و آبروی خویش و کسانی می‌دهد که برایش عزیز هستند، مگر
کسی از فطرت انسانی خارج شده باشد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در برتری آبرو در برابر دوگانه جان و
مال می‌فرماید: «مِنَ الثُّبَلِ أَنْ يَبْدَلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَيَصُونَ عِرْضَهُ؛^۵ نشانه اصالت و بزرگواری انسان
این است که برای حفظ آبرو و حیثیت خود مال و منالش را خرج کند».

از نظر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام کسی که شخصیت خویش را از دست دهد، همه چیزش را از دست
داده است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مَنْ بَدَّلَ عِرْضَهُ ذَلَّ؛^۶ کسی که حیثیت و آبروی خود را به

۱. قلم: ۸، ۱۱ و ۱۷.

۲. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۵۷.

۴. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۶۶.

۵. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۸۶.

۶. همان، ص ۲۵۵.

حراج می‌گذارد، خودش را به پستی و خاک مذلت افکنده است».

امام حسن عسکری در تفسیر آیه ۱۷۷ سوره «بقره» در بیان عوامل نیکی و نیک‌نامی فرموده‌اند: «... يُعَايِرَ عِبَادَ اللَّهِ بِمَا لَمْ يَتَّكِرْ دِينَهُ وَلَا يَتَّخِذْ فِي عِزِّهِ وَ... يَصُونُ عِزَّهُ الَّذِي فَارَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ صِيَانَتَهُ...»^۱ به گونه‌ای با بندگان خدا معاشرت کند که آسیبی به دین و خدشه‌ای در آبرویش نیفتد و... همواره تلاش کند آبرویش که خدا حفظش را واجب کرده، آسیب نبیند».

بر همین اساس امام حسن مجتبی علیه السلام کسی را احمق و بی‌خرد می‌داند که نمی‌داند با مال و آبروی خویش چگونه رفتار کند: «السَّفِيهُ، الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ الْأَمْتَهَاوُنُ فِي عِزِّهِ؛^۲ آدم سفیه و بی‌خرد کسی است که در مصرف اموالش ابلهانه عمل می‌کند و در برابر آبروی خود لاپروا می‌گردد».

وظیفه مسلمان در حفظ آبروی خود

ارزش و اعتبار داده‌شده از سوی خدا، باید توسط خود انسان حفظ و نشان داده شود؛ زیرا جامعه انسانی به هر کسی به تناسب گفتار و رفتارهایی که از خود نشان می‌دهد، ارزش‌گذاری می‌کند و احترام قایل می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ؛^۳ هر کس در گرو دست‌آوردها و اعمال خویش است».

همچنین: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛^۴ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش خود او نیست».

هر کسی موظف است دستاورد آبرویی خود را حفظ کند؛ به قول معروف «حرمت امامزاده را باید متولی نگه دارد». امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَفْعَلْ مَا يَشِينُ الْعِرْضَ وَالْإِسْمَ؛^۵ هیچ‌گاه کاری مکن که باعث بدنامی و لطمه‌زدن به آبروی تو می‌شود».

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «لَا تَجْعَلْ عِرْضَكَ عَرَضًا لِنِبَالِ الْقَوْلِ؛^۶ آبرو و اعتبار خودت را آماج تیرهای حرف مردم قرار مده». امام صادق علیه السلام دلیل لزوم مراقبت را چنین می‌فرماید: «اذا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۸۵.

۲. همان، ج ۷۸، ص ۱۱۵.

۳. مدثر: ۳۸.

۴. نجم: ۳۹.

۵. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۲۵۵.

۶. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

رَقَّ الْعِرْضُ أُسْتُصِيبَ جَمْعُهُ؛^۱ وقتی آبرورِیخت و بی‌ارزش شدی، دیگر جمع‌آوری و جبران آن دشوار خواهد بود».

صائب تبریزی نیز می‌گوید:

در حفظ آبرو ز گهر باش سخت‌تر کاین آب رفته باز نیاید به جوی خویش^۲

بر همین اساس خاتم پیامبران سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می‌فرماید: «ما وَقَى بِهِ الْمَرْءُ عِرْضَهُ كَتَبَ لَهُ صَدَقَهُ؛^۳ هر چیزی که انسان برای حفظ حیثیت و آبروی خود [در محدوده شرع مقدس] صرف کند برای او صدقه نوشته می‌شود».

برنامه اسلام برای حفظ آبروی مسلمانان

اسلام برنامه تربیتی مفصلی برای حفظ آبروی اعضای جامعه اسلامی دارد که به مواردی اشاره می‌شود.

۱. تحریم تمسخر

یکی از رفتارهایی که سبب آبروریزی می‌شود، مسخره‌کردن است. خدای متعال برای حفظ شخصیت و جاهت افراد جامعه اسلامی این عمل را حرام کرده است و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ... وَ مَنْ لَمْ يَنْتَبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛^۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند... و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند.

خیلی روشن است که هدف از مسخره‌کردن، کاستن اعتبار، جایگاه و احترام شخص است که همان آبروی اوست. در داستان نزول این آیه آمده است که دربارهٔ صفیه دختر حبیب بن اخطب که پس از جنگ خیبر همسر رسول خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد، نازل شده است. عایشه و حفصه این خانم را اذیت می‌کردند و تلاش می‌کردند با دشنام و یهودی‌زاده خطاب‌کردن او، شخصیت او را خراب

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۷۷.

۲. صائب تبریزی، گزیده اشعار، غزلیات، غزل ۹۳.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۸۵.

۴. حجرات: ۱۱.

کنند. صفیه از این رفتار آنها نزد رسول خدا ﷺ گلایه کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «آیا به آنها پاسخ نمی‌دهی؟» صفیه پرسید: «ای رسول خدا ﷺ، چه پاسخی به آنها بدهم؟» آن حضرت فرمود: [نکاتی را یادآوری کن که نشان بزرگی شخصیت توست] بگو: جلد حضرت هارون نبی الله و عمویم حضرت موسی کلیم الله (علیهما السلام) و همسر حضرت محمد ﷺ است، آیا باز هم مرا مسخره می‌کنید؟ صفیه به آنها چنین پاسخ داد. آن دو گفتند: «این پاسخ را رسول خدا ﷺ به تو یاد داده است».

پس از ماجرای تلاش آن زنان برای خدشه‌دار کردن اعتبار و شخصیت صفیه آیه مورد بحث نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْخَرُوا قَوْمًا مِّن قَوْمٍ»^۱.

۲. تحریم عیبجویی و طعنه

رفتار دیگری که آبرو و شخصیت مسلمان را خدشه‌دار می‌کند، طعنه‌زدن و عیبجویی است؛ خدای متعال این کار را حرام کرده است: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ...»^۲ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید...».

رسول خدا ﷺ چنین رفتاری را سبب بی‌آبرو کردن عیبجو از سوی خدا دانسته‌اند:

لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَن تَتَّبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَمَن تَتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَصَحَّهٗ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ؛^۳

لغزش‌های مؤمنین را جستجو نکنید؛ زیرا هرکه لغزش‌های برادر مؤمنش را جستجو کند، خداوند لغزش‌هایش را دنبال می‌کند و هرکه را خداوند لغزش‌هایش را دنبال کند، رسوایش می‌سازد؛ گرچه در درون خانه‌اش باشد.

امام باقر علیه السلام این رفتار زشت را سبب نزدیکی به کفر دانسته و فرموده‌اند:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُوَاخَى الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَ زَلَّاتِهِ لِيُعَنَّفَهُ بِهَا يَوْمًا مَّا؛^۴

نزدیک‌ترین حالت هر بنده خدا به کفر آن است که با کسی برادری و دوستی کند؛ ولی پیوسته لغزش‌ها و عیب‌های او را در ذهن خود جمع کند تا روزی به رخ او بکشد و به

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. حجرات: ۱۱.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مشکات الأنوار، ص ۱۰۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۰.

این شکل از وی عیبجویی به عمل آورد.

در برنامه تربیتی اسلامی حتی تعریض و گوشه‌زدن به آبروی مسلمان هم حرام است، چه رسد به عیبجویی و نیش‌زدن؛ امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کسی داستانی نقل کند و قصدش اشاره به بدی‌ها با کنایه و ریختن آبروی مؤمنی باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند متعال ولایت خود را از او برمی‌دارد و ولایت شیطان را جایگزین آن می‌کند».^۱

۳. تحریم نامیدن با لقب زشت

نامیدن و صدازدن مسلمان با لقبی زشت، به‌یقین سبب تحقیر او نزد دیگران می‌شود که اشخاص آبرومند از این رفتار بسیار آزرده می‌شوند؛ خدای متعال در می‌فرماید:

وَلَا تَنَابَرُوا بِالْألقَابِ بِئْسَ الإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ
الظَّالِمُونَ؛^۲

و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ فَلَا تَنَابَرُوا وَلَا تَخَادُوا؛^۳ آگاه باشید که هر مسلمانی برادر مسلمان دیگر است، پس القاب زشت بر هم ننهید و از خوار و بی‌شخصیت کردن یکدیگر دست بردارید».

در خاطره‌ای از امام رضا علیه السلام، محمد بن یحیی بن ابی‌عباد از عمویش نقل می‌کند که روزی از امام رضا علیه السلام شنیدم سه بیت از اشعاری را می‌خواند با اینکه آن جناب کم شعر می‌خواند. عرض کردم: آقا این اشعار از کیست؟ فرمود: متعلق به شخصی از عراق شماس است».

عرض کردم: ابوالعتاهیه این شعر را برای ما خواند و گفت از من است. فرمود: اسم او را بگو و از یادآوری لقب‌های ناپسند پرهیز کن؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْألقَابِ»؛ شاید آن مرد از این لقب [ابوالعتاهیه یعنی احمق] خوشش نیاید.^۴

۱. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب و عقاب الاعمال، ص ۵۴۷.

۲. حجرات: ۱۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۹۸.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۷۷.

۴. تحریم غیبت

غیبت از جمله رفتارهایی است که به آبروی دیگران آسیب می‌زند و گناه بسیار بزرگی است. برنامه اسلام برای جلوگیری از آسیب دیدن آبروی مسلمان از این طریق، حرام کردن این عمل است؛ خدای متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبَّ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ... هرگز [در کار و احوالات دیگران] تجسس نکنید؛ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! [به یقین] همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

غیبت، پشت سر گویی درباره اعمال شخصی است که واقعیت دارد؛ ولی بیان آنها سبب آسیب دیدن شخصیت او می‌شود و آبرویش نزد شنوندگان خدشه‌دار می‌گردد. خدای متعال پیش از تحریم غیبت، تجسس را حرام کرده است تا زمینه غیبت فراهم نشود. علامه طباطبایی در تفسیر آیه یادآور می‌شود نهی از تجسس در امور مؤمنان چه بسا به این دلیل باشد که این کار به طور معمول سبب دست‌یافتن امور و اطلاع از اخباری می‌شود که هتک آبروی او را در پی دارد؛ از این رو این عمل حرام و گناه دانسته شده است.^۲

علامه طباطبایی در ادامه تحلیل دقیقی برای تحریم غیبت دارند؛ ایشان می‌فرمایند:

انسان که از روز اول به حکم ضرورت جامعه تشکیل داد، برای این بود که زندگی اجتماعی داشته باشد و در جامعه دارای منزلتی شایسته و صالح باشد؛ منزلتی که به خاطر آن دیگران با او روابط داشته باشند و او با دیگران روابط داشته باشد، او از خیر دیگران بهره‌مند و دیگران از خیر او برخوردار شوند. غیبت عامل مؤثری است برای از بین بردن این منزلت و ساقط کردن هویت غیبت‌شونده، به گونه‌ای که جایگاه اجتماعی را از شخص می‌گیرد و احترام او را نابود می‌کند. غیبت در آغاز یک فرد را از اعضای جامعه صالح کم می‌کند و سپس فرد دوم و سوم را، تا آنجاکه در اثر شیوع غیبت تمامی افراد جامعه از صلاحیت زندگی اجتماعی ساقط می‌شوند و صلاح جامعه به فساد

۱. حجرات: ۱۲.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۳۲۳.

تبدیل می‌شود. در این حالت افراد جامعه با هم انس نخواهند گرفت و به یکدیگر اعتماد نمی‌کنند؛ پس غیبت در حقیقت ابطال هویت و شخصیت اجتماعی افراد است که ... اگر خبر داشته باشند ... نمی‌گذارند پرده‌ای را که خدا بر روی عیوبشان انداخته به دست دیگران پاره شود، چون خدای سبحان این پرده‌پوشی‌ها را بدین منظور کرده که ... افراد بشر دور هم جمع شوند، با یکدیگر تعاون و معاضدت داشته باشند، و اگر این پرده‌پوشی خدای تعالی نبود، با در نظر گرفتن اینکه هیچ انسانی منزله از تمامی عیوب نیست، هرگز اجتماعی تشکیل نمی‌شد.^۱

پس غیبت یعنی صدمه‌زدن به و جاهت، اعتبار و شخصیت غیبت‌شونده که در فارسی آبرو نامیده می‌شود و حرمت آن یعنی وجوب حفظ آبروی مسلمان تا بتوانند در جامعه زندگی کنند، قایده برسانند و فایده ببرند.

۵. تحریم افشای عیوب اهل ایمان

یکی از راه‌های ریختن آبروی مؤمن، رسانه‌ای کردن و نشر عیب و زشتی است. مخالفان و دشمنان حضرت موسی علیه السلام که نفوذ شخصیتی او را در جامعه دیدند، تلاش می‌کردند شخصیت پیامبر خدا را نزد عموم مردم خدشه‌دار کنند تا گرایش به او کم شود؛ خدای متعال درباره حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ
وَجِيهًا؛^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند و خداوند او را از آنچه در حق او می‌گفتند مبرا ساخت و او نزد خداوند، آبرومند، صاحب مقام و گرانقدر بود.

خدای متعال به مؤمنان دستور می‌دهد از چنین اخلاقی دور کنند؛ چنان‌که تصریح می‌کند: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ».^۳ آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه نوشته‌اند: «خداوند "ستار العیوب" است، دوست ندارد که افراد بشر پرده‌داری کنند و عیوب مردم را فاش

۱. همان، ص ۳۲۳ - ۳۲۴.

۲. احزاب: ۶۹.

۳. نساء: ۱۴۸.

سازند و آبروی آنها را ببرند»^۱.

ایشان می‌افزاید:

هر انسانی معمولاً نقاط ضعف پنهانی دارد که اگر بنا شود این عیوب اظهار گردد، یک روح بدبینی عجیب بر سراسر جامعه سایه می‌افکند و همکاری آنها را با یکدیگر مشکل می‌سازد؛ بنابراین به خاطر استحکام پیوندهای اجتماعی و هم به خاطر رعایت جهات انسانی، لازم است بدون در نظر گرفتن يك هدف صحیح پرده‌داری نشود.^۲

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این رفتار را گناهی خطرناک دانسته‌اند و می‌فرمایند:

مَنْ مَشَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ وَكَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلَ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ! وَ
كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ؛^۳

هر کس در پی یافتن عیب برادر مسلماننش و فاش کردن اسرار برادر دینی‌اش قدم بردارد، اولین قدم او ورود به جهنم خواهد بود و خداوند اسرار و عیوب او را نزد همه خلایق فاش و علنی خواهد کرد.

بر اساس این حدیث آبروریز و افشاگر عیوب مسلمان در دنیا نیز مجازات سختی خواهد داشت. هدف از این مجازات‌ها واداشتن مسلمانان به حفظ آبروی یکدیگر است.

برکات و پاداش حفظ آبروی مسلمان

از آنچه بحث شد، فهمیدیم صیانت از آبروی خود و دیگران بسیار مهم است. در اسلام بر حفظ آبروی دیگران حتی متهمان به جرم نیز تأکید شده است.^۴ این رفتار برکات و پاداش‌های بی‌ظنیری دارد که به بخشی اشاره می‌شود.

۱. حفظ آبرو در دنیا و آخرت

حفظ آبروی دیگران موجب می‌شود تا خداوند در دنیا و آخرت عیب‌پوشی کند. رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ سَتَرَ عَلَى أَخِيهِ سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۵ کسی که عیب‌پوش برادر دینی خود

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲. همان.

۳. محمدنبی تویسرکانی، لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۴۱.

۴. نک به آیات: نساء: ۱۵؛ نور: ۴، ۱۱، ۱۳ و ۱۵.

۵. محمد بن سلامة قاضی قضاعی، شهاب الأخبار، ص ۱۹۵.

باشد، خداوند حیثیت و آبروی او را در دنیا و آخرت حفظ خواهد کرد».

۲. نجات از دوزخ

کسی که عرض دیگران را صیانت کند، خداوند او را از دوزخ دور نگه می‌دارد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ عَنْ عَرِضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنَ النَّارِ؛ کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند، برای او هفتاد هزار سپر از آتش جهنم خواهد بود».

۳. رهایی از لغزش در قیامت

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَشْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که از آبروریزی و لطمه‌زدن به حیثیت مسلمانان خودداری کند، خداوند از لغزش‌های او در روز قیامت گذشت خواهد کرد».

۴. عزت

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «عِزُّ الْمُؤْمِنِ كُفُّهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ؛ عزت و بزرگی مؤمن در عدم تعرّض به حیثیت دیگران است».

۵. بهشت

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ عَنْ عَرِضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَيْتَةُ؛ کسی که آبروی برادر مسلمان خود را حفظ کند، بهشت جایگاه او خواهد بود».

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه، تنظیم صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب و عقاب الاعمال، قم: دارالرضی، ۱۴۰۶ ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۳.

۲. همان، ص ۲۵۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۸.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال، ص ۳۲۴.

۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۶. توپسرکانی، محمدنبی، لئالی الاخبار، قم: علامه، ۱۴۱۳ ق.
۷. حافظ، شمس‌الدین محمد، غزلیات، «نرم‌افزار گنجور»، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مشکات الأنوار، چ دوم، نجف: حیدریه، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، «نرم‌افزار گنجور»، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۱۱. قاضی قضاعی، محمد بن سلامه، شهاب الأخبار، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: اسلامیة، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: آدنا، کتاب راه نو، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. نظیری نیشابوری، محمدحسین، دیوان اشعار و غزلیات، «نرم‌افزار گنجور»، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.